



University of Shahid Beheshti  
Faculty of Literature and Human Sciences  
Department of History

Journal of History of Iran

Vol 16, No 2, autumn & winter 2023

ISSN: 2008-7357

E-ISSN: 2588-6916



DOI: <https://doi.org/10.48308/irhj.2023.232035.1245>

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20087357.1402.16.2.4.2>

## Research Paper

# Emergence of Modern Schools in Bandar Lenge and the Role of Foreign States in Their Establishment (From the Naserid Period to the Beginning of the Pahlavi Period)

1. HabibAlah Saeedinia <sup>id</sup> / 2. Sara Yarmahdavi <sup>id</sup>

1. Associate Professor, Department of History, Persian Gulf University, Bushehr, Iran. (Corresponding author)  
Email: [saeedinia@pgu.ac.ir](mailto:saeedinia@pgu.ac.ir)

2. PhD candidate in History of Islamic Iran, Department of history, Persian Gulf University, Bushehr, Iran.  
Email: [yarmahdavisara@gmail.com](mailto:yarmahdavisara@gmail.com)

Received: 2022/06/12 PP 67-90 Accepted: 2023/07/29

## Abstract

One of the most important political and cultural developments in the social history of Iran is the establishment of new schools in the Qajar period; a prolonged process that began in the Naserid period with the invention of the phonetic alphabet by Mirza Hasan Rushdieh and gradually spread from the west of Iran to other regions of the country after overcoming many obstacles in the confrontation between tradition and modernity. After the establishment of Saadat School in Bushehr, the change in Iran's educational structure spread to other southern ports, including Bandar Lenge. The new schools, located directly on the Persian Gulf and at the southern gateway to the country, attracted the attention of foreign businessmen and diplomats. From the very beginning, in the post-constitutional period, the establishment of these schools was met with resistance. However, the schools managed to overcome the oppositions and obtain the approval of the Ministry of Education, so they continued to operate during the Pahlavi period. The present article was conducted using a descriptive-analytical method and is based on primary archival sources such as documents and newspapers. The aim of the article is to examine the introduction of new educational methods in the schools in Bandar Lenge. The result shows that social conditions, the performance of various individuals and institutions and foreign support played a decisive role in the establishment of new schools. In addition, the frequent presence of foreigners under the pretext of financial aid and educational support became one of the ways to increase foreign influence.

**Keywords:** Modern schools, Qajars, Pahlavis, Bushehr, Bandar Lange, Persian Gulf.

**Citation:** Saeedinia, HabibAlah, Sara Yarmahdavi. 2023. «*Emergence of Modern Schools in Bandar Lenge and the Role of Foreign States in Their Establishment (From the Naserid Period to the Beginning of the Pahlavi Period)*», Journal of History of Iran, autumn and Winter Vol 16, No 2, PP 67-90.



Copyright: © 2023 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



دانشگاه شهید بهشتی  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه تاریخ

## مجله تاریخ ایران

سال ۱۶، شماره ۲، پاییز و زمستان، ۱۴۰۲  
شاپا الکترونیکی: 2588-6916  
شاپا: 2008-7357



DOI: <https://doi.org/10.48308/irhj.2023.232035.1245>

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20087357.1402.16.2.4.2>

### مقاله پژوهشی

# ورود مدارس نوین به بنادر خلیج فارس و نقش دول خارجی در آن (مطالعه موردی بندر لنگه، از دوره ناصری تا آغاز پهلوی)

۱. حبیب الله سعیدی نیا<sup>ID</sup> / ۲. سارا یارمهدوی<sup>ID</sup>

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه خلیج فارس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران. رایانامه: [saeedinia@pgu.ac.ir](mailto:saeedinia@pgu.ac.ir)  
۲. دانشجوی دکتری مطالعات ایران دوره اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران. رایانامه: [Yarmahdavisara@gmail.com](mailto:Yarmahdavisara@gmail.com)

دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۲ صص ۶۸-۹۰ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۷

### چکیده

یکی از مهم‌ترین تحولات سیاسی-فرهنگی تاریخ اجتماعی ایران، شکل‌گیری مدارس نوین در دوره قاجار است، روندی سیال که در دوره ناصری آغاز شد و با ابداع الفبای صوتی، در دوره رویارویی سنت و مدرنیته، با گذر از موانع بسیار از غرب ایران به دیگر مناطق کشور گسترش یافت. این تحول بزرگ در ساختار آموزشی کشور با تأسیس مدرسه سعادت در بندر بوشهر به سایر بنادر جنوبی از جمله بندر لنگه نیز راه یافت. این بندر به دلیل هم‌جواری با خلیج فارس و با توجه به اینکه دروازه و معبر تمدنی جنوب ایران بود، توجه تجار و دیپلمات‌های خارجی را به خود جلب کرد. ساخت مدارس از همان ابتدا و مقارن با مشروطه با واکنش مخالفین مواجه گردید، اما با عبور از موانع و کسب تأییدیه وزارت معارف در دوره پهلوی نیز تداوم یافت. این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و منابع اصلی مانند اسناد و روزنامه‌های وقت در پی آن است که روند راهیابی تعلیمات آموزشی نوین به مکاتب و مدارس بندر لنگه را بررسی نماید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد شرایط اجتماعی و عملکرد افراد و نهادهای مختلف و نیز حمایت نیروهای خارجی در شکل‌گیری و حیات مدارس نوین نقش اساسی داشت. مضاف بر آنکه حمایت نیروهای خارجی با حضور مکرر در مدارس، به بهانه کمک مالی و حمایت از تحصیل، به یکی از راه‌های بسط نفوذ آنان بدل شد.

**واژه‌های کلیدی:** مدارس نوین، قاجاریه، پهلوی، بندر بوشهر، بندر لنگه، خلیج فارس.

**استناد:** سعیدی نیا، حبیب الله، سارا یارمهدوی. ۱۴۰۲. «ورود مدارس نوین به بنادر خلیج فارس و نقش دول خارجی در آن (مطالعه موردی بندر لنگه، از دوره ناصری تا آغاز پهلوی)»، مجله تاریخ ایران، پاییز و زمستان، سال ۱۶، شماره ۲، ۶۸-۹۰.



Copyright: © 2023 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

## مقدمه

نخستین تلاش‌ها برای پایه‌گذاری ساختار نوین آموزشی در ایران چندی پیش از انقلاب مشروطه، در دوره ناصرالدین شاه با ایجاد الفبای صوتی رشدیه، در تبریز صورت گرفت. اگرچه این کار با مخالفت‌های زیادی روبه‌رو شد، میرزا حسن رشدیه با تکیه بر تجارب و دانش خود که حاصل اقامت او در بیروت و عثمانی و ارتباط با معلمان فرانسوی بود، مجدانه در سایر شهرها نیز به احداث مدارس همت گمارد. این تحول بزرگ در زمانی روی می‌داد که ایران وارد دوره رویارویی سنت و مدرنیته شده بود. جامعه در چنین شرایط ملتهبی به دو دسته مشروطه‌خواه و متشرع تقسیم شده بود. از این رو، نگاه برخی از روحانیون به این مدارس نوین بدبینانه بود. برخی هم مانند شیخ هادی نجم‌آبادی که خود از چهره‌های شاخص دوران مشروطیت بود،<sup>۱</sup> به‌مرور موضعی متفاوت و حمایتگرانه در پیش گرفتند، آن هم در برهه‌ای که حتی خواندن برخی از روزنامه‌ها جرم تلقی می‌شد. این مقابله با مشروطه و احداث مدارس نوین از مداخلات روسیه و انگلیس نیز نشئت می‌گرفت، زیرا آنان ارتقای آگاهی مردم خاورمیانه بالاخص ایران را مغایر با خواسته‌های خود می‌دیدند. تا اینکه در زمان صدارت امین‌الدوله مطبوعات مجالی برای فعالیت آزادانه یافتند. در شعبان ۱۳۱۵ نخستین مدرسه جدید تهران با سرمایه امین‌الدوله مقارن با حکومت مظفری بر پا گشت. با تشکیل مدارس رشدیه، مقدمات تأسیس مدارس ابتدایی، علمیه و افتتاحیه نیز فراهم گردید. همچنین پس از تشکیل «انجمن معارف» راه برای ایجاد مدارس دیگر و پیشرفت شیوه نوین آموزشی باز شد.

عباس میرزا در بنای نظام جدید آموزش و یادگیری در ایران نقش بسزایی داشت. او در پی مشاهده پیشرفت امپراتوری عثمانی، به تقلید از آن، با اعزام محصلانی به فرنگ زمینه اتصال ایران به تازه‌های دانش در خارج از مرزها را فراهم ساخت. امیرکبیر نیز به تأسی از اندیشه او و پس از مشاهده پیشرفت روسیه در سفرش به سن‌پترزبورگ همین روند را در پیش گرفت و دارالفنون را بنا کرد. فصل مشترک این تجددخواهان توجه آنان به پیشرفت کشورهای همسایه بود. امیرکبیر، به جای روسیه و انگلیس، معلمانی از اتریش، کشور پیشرو و بی‌طرف، استخدام نمود. این کار به افزایش سطح آگاهی و همسویی نظام تعلیم و تربیت ایران با ساختار آموزشی و فرهنگی کشورهای دیگر کمک کرد و از عوامل مهم ایجاد شیوه‌های نوین آموزش در ایران گردید، هرچند به بستری برای وسعت نفوذ عوامل بیگانه در مسائل داخلی ایران بدل شد.

۱. نجم‌آبادی در این مقطع کتاب *تحریرالعقلاء* را برای ارتقای آگاهی اجتماعی مردم نوشت (حسن مرسلوند، *حاج شیخ هادی نجم‌آبادی و مشروطیت*، ج ۱۰ (تهران: طبع و نشر، ۱۳۷۸)، ص ۶۵-۹۰؛ ماشالله آجودانی، *مشروطه ایرانی* (تهران: اختران، ۱۳۸۲)، ص ۲۷۲). همزمان در جنوب نیز شیخ حسن اهرمی با نوشتن *احیاء المله همین رسالت* را در پیش گرفت (غلامحسین زرگری‌نژاد، *رسائل مشروطیت به روایت موافقان و مخالفان*، ج ۲ (تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۷)، ص ۲۸۶، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۲).

پس از تهران، روند احداث مدارس جدید با تأسیس مدرسه «سعادت مظفری» در بوشهر به کرانه‌های خلیج فارس نیز راه یافت. چندی بعد با وقوع انقلاب مشروطه ساختار سیاسی ایران دچار تحولات اساسی شد. جنگ جهانی اول نیز موجب ورود تعداد زیادی از نیروهای خارجی به ایران گردید. در این میان برخی از مطبوعات با حمایت از تعالیم جدید، مدارس را عاملی برای اتصال شرق به غرب و موجب ترقی و غلبه بر رکود قلمداد کردند. پس از شروع جنگ، به نقل از مجله اصول تعلیمات در ۱۳۳۷ق، تهران پنجاه و پنج مدرسه با حدود شش هزار دانش‌آموز دختر و پسر با چهارصد معلم داشت. با توجه به آماده نبودن جامعه برای حضور نسوان در ساختار آموزش و یادگیری، مطبوعات تلاش می‌کردند با تأکید بر فایده مدرسه بر تربیت نسوان راه را برای تحصیل آنان مهیا نمایند. در این میان افرادی چون فتحعلی آخوندزاده دستیابی به پیشرفت را در تغییر الفبا و مشروط به تغییر دین می‌دانستند.<sup>۱</sup> وی معتقد بود در ایرانی با چهارده میلیون نفر جمعیت که تنها پانصد هزار نفر باسواد هستند، ساخت مدرسه با همان الفبای قدیم توفیری ندارد. مستشارالدوله نیز در حمایت از تعالیم جدید و مدارس نوین، با تأکید بر تغییر خط، کتاب *تعلیم الاطفال* و کتاب حساب را نوشت.<sup>۲</sup> طالبوف نیز ضمن نقد مکتبخانه‌ها، عامل فعال نبودن شاگردان در کلاس درس را دشواری فهم الفبا می‌دانست که درس خواندن و حتی مدرسه رفتن را غیرممکن ساخته است.<sup>۳</sup> وی بر ایجاد محتوای جدید آموزشی چون زبان خارجه در کنار زبان فارسی، تاریخ و جغرافی تأکید داشت، اما همانند رشدیه تغییر الفبا را مستلزم تغییراتی در دین نمی‌دانست.

پژوهش حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی، با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسناد و مطبوعات وقت به بررسی روند شکل‌گیری نظام آموزشی جدید و مدارس پیشرو در بندر لنگه از دوره ناصری تا روی کار آمدن رضاشاه خواهد پرداخت. بنابراین، هدف پژوهش بررسی دقیق این روند در این منطقه و توجه به کم و کیف آن در دوره گذر از قاجار و مشروطه به دوره پهلوی اول است. بر این اساس، در این پژوهش سعی می‌گردد به این پرسش پاسخ داده شود که چه عوامل و افرادی موجب راه‌یابی و تداوم تعالیم جدید آموزشی و شکل‌گیری مدارس نوینی چون محمدیه در بندر لنگه شدند؟

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد متشرعین و حتی برخی از رجال با احداث مدارس جدید از آغاز تا انجام بسیار مخالفت کردند. علاوه بر این، نقش و تأثیر شرایط اجتماعی و اقتصادی بندر لنگه و بینش و عملکرد برخی از افراد، از دیگر عوامل مهم احداث مدارس در این شهر بود. قرار گرفتن در کرانه خلیج فارس و برخورداری از موقعیت سیاسی و تجاری ویژه نیز موجب جلب توجه بازرگانان و رجال

۱. آخوندزاده کتابچه‌ای در خصوص دلایل الزام به تغییر الفبا نوشت و برای متقاعد کردن وزرای عثمانی، نسخه‌ای از آن را برای ایشان فرستاد (باقر مؤمنی، مقالات میرزا فتحعلی آخوندزاده (تهران: آوا، ۱۳۵۱)، ص ۱۵).

۲. اقبال قاسمی پویا، مدارس جدید در دوره قاجاریه (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷)، ص ۱۵۲.

۳. عبدالرحیم بن ابوطالب نجار تبریزی (طالبوف)، احمد (سفینه طالبی) (تهران: نشر گام، ۱۳۵۶)، ص ۱۱.

خارجی و داخلی گردید، به خصوص کنسولگری‌های روسیه، انگلیس، فرانسه و شرکت‌های آلمانی به حامیان اصلی احداث مدارس بدل شدند. در این دوران تغییر و تحولات فکری و فرهنگی و آموزشی شهرهای بوشهر و لنگه به موازات شهرهای رشت و بندر انزلی در صدر اخبار مطبوعات قرار داشت. در واقع این شهرها به واسطه هم‌جواری با شاهراه‌های دریایی، به‌عنوان دروازه تمدنی جنوب و شمال ایران، از ویژگی‌های ژئوپلیتیکی برخوردار بودند که در این فرآیند بر همدیگر تأثیر می‌گذاشتند.

در برخی از کتاب‌ها اشارات مختصری به موضوع احداث مدارس دیده می‌شود که حائز اهمیت است. ماشالله آجودانی در مشروطه ایرانی با تکیه بر اسناد داخلی و خارجی به تأثیر مشروطه‌خواهان بر پیشبرد تعلیم و مدارس جدید اشاره کرده است. احمد دشتی نیز در کتاب *تاریخچه مدرسه سعادت بوشهر* تنها در چند عبارت کوتاه به وضعیت مدارس در بندر لنگه پرداخته است. با توجه به تقدم ساخت مدرسه سعادت در بندر لنگه و تبعیت سایر مدارس از ساختار آموزشی آن، این کتاب از این نظر حاوی اطلاعات مهمی است. در کتاب *مدارس جدید در دوره قاجاریه*، نوشته اقبال قاسمی پویا، نیز تنها اشاره‌ای کوتاه به بندر لنگه در سال ۱۳۴۱ ق شده، اما دارای اطلاعات مفصلی درباره مدارس از جمله مدارس نوین در ایران است.<sup>۱</sup> نشریاتی همچون *وقایع اتفاقیه*<sup>۲</sup>، *حبل المتین* و *چهره‌نما* نیز از مهم‌ترین منابع برای بررسی دقیق شکل‌گیری مدارس نوین در ایران دوره قاجاریه هستند. اخباری چون تأسیس دارالفنون و اعزام محصلان و اسامی معلمان خارجی نخست در این نشریات منتشر می‌گردید. اخبار تعلیم و مدارس نوین نیز جایگاه خاصی در روزنامه‌های دوره مظفری دارند.<sup>۳</sup>

با تطبیق و مقایسه داده‌های مطبوعات و اسناد با یکدیگر مشخص می‌شود که اطلاق عنوان «سومین مدرسه نوین» به مدرسه محمدیه در بندر لنگه، که در برخی از منابع از جمله کتاب *تاریخچه آموزش و پرورش جنوب نوشته نصرالله کریمی*<sup>۴</sup> به آن اشاره شده، اشتباه است، زیرا در فهرستی که روزنامه معارف در سال ۱۳۱۷ ق از اسامی مدارس نوین آورده، حتی به نام مدرسه سعادت بوشهر اشاره‌ای نشده است.<sup>۵</sup> به علاوه هم‌زمان با مدرسه سعادت مظفری بوشهر، مدرسه شرافت مظفری نیز در رشت احداث گردید. این در حالی است که نخستین مدرسه نوین در رشت پیش‌تر، یعنی در سال ۱۳۱۴ ق مقارن با سال جلوس مظفرالدین شاه، تأسیس شده بود و در آن مشق نظامی تدریس نمی‌شد.<sup>۶</sup> علاوه بر موارد یادشده، از دیگر دستاوردهای این پژوهش دسترسی به اخباری چون اولین اعتصاب معلمان و نخستین اشاره به

۱. قاسمی پویا، ص ۴۸۸.

۲. *وقایع اتفاقیه*، ش ۴۲ (۱۲۶۸ ق)، ص ۱.

۳. واحد شمارش برخی از آنها همانند *حبل المتین* «شماره» و بقیه «نمره» بود. تعدادی نیز فقط دارای شماره چندمین سال نشر و شماره هستند.

۴. نصرالله کریمی، *تاریخچه آموزش و پرورش جنوب ایران* (قم: حماسه قلم، ۱۳۹۲)، ص ۱۰۱.

۵. شمس‌الدین رشیدی، *سوانح عمر (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲)*، ص ۵۲-۵۳.

۶. ملک‌المورخین خان سپهر، *مرآت الوقایع مظفریه و یادداشت‌های ملک‌المورخین*، به کوشش عبدالحسین نوایی (تهران: زرین، ۱۳۲۸)، ص ۱۶۳.

لزوم ارتباط میان مدرسه و والدین است که در هیچ پژوهشی تاکنون مطرح نشده است. مضاف بر آنکه، این مدارس نسل اول از مدارس پولی یا همان غیرانتفاعی در ایران‌اند که در ابتدا مدارس ملی نامیده می‌شدند و تا دوره رضاشاه دایر بودند. اما با روی کار آمدن پهلوی اول، برخی از این مدارس، به‌ویژه مدارس خارجی، به تصرف دولت درآمدند.

### تعلیم و تربیت جدید در آستانه مشروطه

تاریخ ایران مملو از پدیده‌هایی است که با ایجاد تحولی اثرگذار در ساختار فرهنگی به نقطه عطفی در تاریخ اجتماعی بدل شده‌اند. احداث دارالفنون یکی از این پدیده‌هاست که از اهم تحولات سیاسی- فرهنگی ایران در قرن ۱۳ق/۱۹م به شمار می‌آید. دارالفنون فتح بابی در ساختار آموزشی ایران بود و در دوره قاجاریه زمینه آشنایی ایران با مظاهر جدید تمدنی را با اعزام محصل به فرنگ و استخدام معلمان اروپایی فراهم نمود.<sup>۱</sup>

پیش از شکل‌گیری زمینه‌های بروز انقلاب مشروطه، نخستین مدرسه ایرانی به شیوه نوین در سال ۱۳۰۱ق/۱۸۸۴م به همت رشیدیه برای مسلمانان در قفقاز تأسیس شد.<sup>۲</sup> این در حالی رخ داد که تا آن زمان در ایران هیچ زیرساختی برای تعلیم و تربیت نوین در نظر گرفته نشده بود. در سوی دیگر جمعی از روحانیون به گمان اینکه این مدارس منجر به فساد می‌شوند، به مقابله با آنها برخاستند. علمایی چون شیخ فضل‌الله نوری به این سبک از مدارس به‌عنوان اثرات جنیش مشروطه معترض شدند. وی در خطابه‌ای به ناظم‌الاسلام کرمانی نوشت: «تو را به حقیقت اسلام قسم می‌دهم، آیا مدارس جدید خلاف شرع نیست؟ و آیا ورود به این مدارس مصادف با اضمحلال دین اسلام نیست؟ آیا درس زبان خارجه و تحصیل شیمی و فیزیک، عقاید شاگردان را سخیف و ضعیف نمی‌کند؟»<sup>۳</sup>

مطبوعات نیز متذکر شدند که وزارت معارف باید نظامنامه‌ای برای مدارس جدید تصویب کند.<sup>۴</sup> در این بین حمایت دولت امین‌الدوله از ترقی و فرهنگ‌پروری به مذاق روس‌ها خوش نیامد. مجدالاسلام که در آن زمان رئیس طلاب مدرسه صدر در اصفهان بود، درخصوص دلیل دشمنی با امین‌الدوله چنین گفت: «کافه علما و طلاب بر ضد او برخاستند و آن این است که امین‌الدوله که مردی دانشمند بود، می‌دانست که ترقی مملکت بدون توسعه معارف امری محال است. پس اولین اقدام او در توسعه معارف بود و شروع کرد به تأسیس مکاتب و مدارس به اسلوب جدید.»<sup>۵</sup> سرانجام امین‌الدوله به خاطر کارشکنی روس‌ها از

۱. مرتضی راوندی، سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا (تهران: نشر گویا، ۱۳۶۴)، ص ۱۰۴.

۲. چندی بعد مدرسه‌ای دوزبانه به نام نوروز نیز در قفقاز ساخته شد. بنگرید به: فلاح مظفری، ش ۶۳، ص ۳ (۱۳۲۲ق)؛ اطلاع، ش ۸، ص ۲۶ (۱۳۲۲ق).

۳. ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، به اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرانی، بخش دوم (تهران: آگاه، ۱۳۶۱)، ص ۳۲۲.

۴. فلاح مظفری، نمره ۴۵ (۱۳۳۱ق)، ص ۷۰۶.

۵. احمد مجدالاسلام کرمانی، تاریخ انحطاط مجلس، مقدمه و تحشیه: محمود خلیل‌پور (اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۱۳۵۱)، ص ۱۶۴-۱۶۵.

مقام خود کناره گرفت. رشديه نیز که پیش‌تر موافقت ناصرالدین شاه را برای ساخت مدارس جلب کرده بود، در دوره مظفری در پی عداوت‌های داخلی و مداخله روس‌ها مغضوب نیرالملک شد.<sup>۱</sup> در همین اثنا، شاه بی‌توجه به شرایط کشور عزم رفتن به فرنگ کرد و از بیم آنکه مبدا در دوران سفر، در مدارس علیه وی آموزش‌هایی داده شود، نیرالملک<sup>۲</sup> را وزیر و مسئول نظارت بر مدارس کرد.<sup>۳</sup> پس از آن، او با کمک معاونش مخبرالسلطنه نظامنامه‌ای برای شیوه کار مدارس تنظیم و منتشر نمود و رضا قلی‌خان، مدیر مدرسه دارالفنون، به‌عنوان مسئول دایره معارف و پاسخگوی سؤالات مردم تعیین شد.<sup>۴</sup> حامیان مدارس نوین در مطبوعات اظهار داشتند که این مدارس با ترجمه علوم و فنون از زبان خارجه به فارسی موجب افزایش آگاهی جامعه شده‌اند.<sup>۵</sup> علاوه بر این، آنها ترغیب ملت به افتتاح این مدارس را بهترین مرهم بر درد جامعه دانستند.<sup>۶</sup> *حبل المتین* امکان اشتغال بعد از تحصیل را برای شاگردان موجب همسویی ایران با سایر ملل خواند: «در حالتی که صاحبان سایر مذاهب مختلفه و ملل متنوعه مدارس دارند که در آنجا اصول جدید تدریس می‌شود، در این مدت معلمین ماهر و طیبیان حاذق این مدارس بیرون آمده و الان مشغول کار هستند.»<sup>۷</sup> فرصت‌الدوله شیرازی از فعالان مشروطه نیز معتقد بود: «باید چون دیگران در مدرسه رفت، درس خواند، رنج کشید، کاری کرد که امور اصلاح شوند و کارها منظم گردند.»<sup>۸</sup> تبلیغات مطبوعات به‌مرور منجر به افزایش حمایت‌های مردمی از نهاد تعلیم و تربیت گردید، روندی که تا زمان تغییر مدارس به مدرسه‌های دولتی به‌منظور تقویت وحدت خانواده و مدرسه و دریافت کمک‌های بیشتر کمابیش ادامه یافت. بنابراین، می‌توان این امر را مبدأ و هسته اولیه انجمن اولیا و مربیان کنونی نیز به حساب آورد.

به باور متشرعین این مدارس و تعلیم جدید موجب شده است زحمات روحانیون که از دیرباز در مکاتب سنتی چون مساجد و منازل خود سعی در تعلیم قشر ضعیف جامعه داشتند، نادیده گرفته شود، خصوصاً که شمار مبلغان مسیحی در شهرهای مختلف فزونی یافته است.<sup>۹</sup> متشرعین همچنین نگران تغییر باورها و عقاید شاگردان مسلمانی بودند که در این مدارس درس می‌خواندند، زیرا در این مدارس دروس اسلامی

۱. احمد مظفرمقام، «اسنادی از میرزا حسن رشديه مؤسس مدارس نوین به مجلس شورای ملی»، *پیام بهارستان*، د ۲، ص ۱، ش ۳ (۱۳۸۸)، ص ۵۰۵، ۵۰۷.  
 ۲. نیرالملک بعد از پدرش ریاست مدرسه دارالفنون را عهده‌دار شد. ریدر ویلیام بولارد و دیگران، *رجال و دیپلمات‌های عصر قاجار و پهلوی*، ترجمه غلامحسین میرزاصالح (تهران: معین، ۱۳۹۱)، ص ۴۱۸.  
 ۳. غلامحسین افضل‌الملک کرمانی، *افضل التواریخ*، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان (تهران: تاریخ ایران، ۱۳۶۱)، ص ۲۸۵؛ انجمن معارف در آذر ۱۳۷۷ زیر نظر وزارت علوم قرار گرفت (سپهر، ص ۳۲۹).  
 ۴. فلاح مظفری، نمره ۴۸ (۱۳۲۱ق)، ص ۷۶۴-۷۶۵.  
 ۵. فلاح مظفری، نمره ۳ (۱۳۱۹ق)، ص ۳۷-۳۸.  
 ۶. ثریا، ش ۱ (۱۳۱۶ق).  
 ۷. *حبل المتین*، ش ۱۲، ص ۱۰ (۱۳۲۲ق)، ص ۲۱.  
 ۸. محمدنصیر (فرصت‌الدوله) شیرازی، *دیستان الفرصه* (بمبئی: مطبع مظفری، ۱۲۹۴)، ص ۱۰۷.  
 ۹. احمد آقازاده، محمد آرمند، *تاریخ آموزش و پرورش ایران* (تهران: نشر سمت، ۱۳۹۲)، ص ۱۲۷.

به آنان تعلیم داده نمی‌شد. عملکرد یحیی دولت‌آبادی<sup>۱</sup>، از اعضای انجمن معارف، در نوشتن کتابی دربارهٔ شرع و آموزش‌های دینی به زبان ساده نیز سبب تشدید مخالفت روحانیون و متشرعین با مدارس جدید شد.<sup>۲</sup> در این میان فرزندان خواص با برخورداری از مکتبخانه‌های خصوصی با دروس دیگری چون زبان خارجه، تاریخ، جغرافیا و هندسه نیز آشنا می‌شدند.<sup>۳</sup>

در خصوص ثبت‌نام در مدارس جدید نیز اگرچه پرداخت شهریه الزامی بود، از افراد بی‌سرپرست یا از خانواده‌های بی‌بضاعت مبلغی دریافت نمی‌شد. در واقع این مدارس ملی نسل اول مدارس پولی در ایران بودند که بعد از مدتی به مدارس دولتی با امکان تحصیل رایگان برای همه تبدیل شدند. برخی از رجال نیز از مخالفان مدارس جدید بودند، زیرا این مدارس را سبب افزایش آگاهی عمومی و تهدیدی برای جایگاه خود می‌پنداشتند. در خطابیۀ روزنامهٔ استخر به آنان آمده: «... درست فهمیده‌اند، زیرا می‌دانند آن روزی که چشم و گوش مردم به وسیلهٔ نور معارف و تابش خورشید علم و معرفت باز شود، آقایان باید از این مقامی که بدون استحقاق اشغال نموده‌اند، پایین بیایند.»<sup>۴</sup> این بدگمانی و هراس پیش‌تر نیز در دستگاه سلطنت ناصری پس از تغییر رویکرد نظامی دارالفنون به علوم انسانی وجود داشت. این تغییر در حالی بود که حدود دو دهه معلمان دارالفنون همگی نظامی و تابع تعالیم ساختار آموزشی فرانسه و معلمین فرانسوی بودند،<sup>۵</sup> تغییری که به دنبال انتصاب اعتمادالسلطنه از ۱۲۹۱ق به ریاست دارالفنون صورت گرفت و با نگارش رساله‌های متعدد و ترجمهٔ متون خارجی خصوصاً فرانسوی به فارسی زمینه‌ساز ظهور نسل جدیدی از تحصیل‌کنندگان در مدرسه گردید که در برابر دستگاه سلطنت موضع‌گیری نمودند. شاه علت این سرکشی را فرانسوی شدن نظام آموزشی ایران می‌دانست و معتقد بود فضیلت حکمت بر الهیات در فرهنگ فرانسه موجبات این عصیان را فراهم نموده است. اعتمادالسلطنه در مورد بدبینی شاه به بسط فرهنگ و زبان فرانسه می‌گوید:

دیشب سر شام فرمودند حکیم سواره علاءالدوله فرانسه می‌داند. من می‌خواستم تمجیدی کنم. عرض کردم در سلطنت فتحعلی شاه کاغذی ناپلئون به فتحعلی شاه نوشته بود در مسئلهٔ مهمی و کسی نبود ترجمه کند. همان‌طور سر بسته پس فرستاده شد. حالا چهار پنج هزار نفری در تهران فرانسه‌دان هستند. بندگان همایون دستی به سیبل مبارک کشیدند و فرمودند آن وقت

۱. دولت‌آبادی همراه با امین‌الضرب و احتشام‌السلطنه چاپخانه‌ای در تهران تأسیس کرد و کتاب تاریخ ایران را برای استفاده در مدارس جدید چاپ نمود. بنگرید به: یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی (تهران: عطار و فردوسی، ۱۳۶۱)، ص ۱۸۳-۲۰۵؛ میرزا محمودخان احتشام‌السلطنه، خاطرات احتشام‌السلطنه، به کوشش سید محمد مهدی موسوی (تهران: زوار، ۱۳۶۷)، ص ۳۱۴-۳۱۶.

۲. قاسمی پویا، ص ۲۲۱.

۳. همان، ص ۴۵.

۴. استخر، ش ۳۰، ص ۵، ص ۲.

۵. غلامحسین زرگری‌نژاد، منصور صفت گل، محمدباقر وثوقی، تاریخ دانشگاه تهران: دانشگاه در دورهٔ اول ۱۳۱۳-۱۳۲۳ (بخش دوم)، ج ۱ (تهران: مؤسسهٔ چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۸)، ص ۶۱-۶۳.



بهتر از حالا بود. هنوز چشم و گوش مردم اینطور باز نشده بود...<sup>۱</sup>

به علاوه، احداث مدارس لازاری فرانسوی در تبریز، تهران، اصفهان، سلماس و ارومیه در سال ۱۲۵۶ ق، یعنی یازده سال قبل از تأسیس دارالفنون، زمینه حضور فرانسوی‌ها را در نظام آموزشی نوین ایران رسماً نهادینه ساخته بود.<sup>۲</sup> امری که علاوه بر زیرساخت‌های آموزشی بر ایجاد قانون اساسی مشروطه در ۱۳۲۴ ق نیز تأثیر گذاشته بود. در دوره حکومت احمد شاه قاجار نیز عملاً نظام تعلیم و تربیت ایران شامل سازمان مدیریتی آموزش قوانین مدارس، روش‌های آموزش، متون درسی، برنامه آموزشی، آزمون‌ها و امتحانات و استانداردها تحت نفوذ فرانسوی‌ها قرار داشت.<sup>۳</sup> همراه با ترجمه متون اروپایی و حمایت جراید از مدارس نوین، ساخت این نوع مدارس قوت گرفت. با این اوصاف، هنوز در میان عامه مردم برخی حاضر نبودند فرزندان خود را به این مدارس بفرستند. سرایت چنین رویکردی به سایر خانواده‌ها منجر به واکنش و نكوهش مطبوعات گردید و این موضوع چشم و هم‌چشمی والدین از همدیگر دانسته شد.<sup>۴</sup> مطبوعات همچنین ذیل انتشار اولین برنامه امتحانی مدرسه، برای نخستین بار مطالبی درباره تأثیر ارتباط والدین با مدرسه به منظور ایجاد انگیزه و اشتیاق فرزندان منتشر ساختند.<sup>۵</sup> با تصویب متمم قانون اساسی در ۱۳۲۵ ق/ ۱۹۰۷ م در زمان محمدعلی شاه قاجار گام مهمی برای رسمیت‌بخشی به مدارس نوین برداشته شد. وزارت معارف نیز با دیدن تعدد فواید این مدارس، با تصویب قانونی در ۱۳۴۳ ق اقدام به توسعه آنها و محدود کردن مکتبخانه‌های محلی نمود.

### ره‌آورد تعالیم جدید در جنوب

در واکاوی گستره تعالیم جدید در جنوب نمی‌توان از نقش بنیادین برخی از افراد همانند سید جمال‌الدین اسدآبادی چشم پوشید. وی در سال ۱۲۷۲ ق به قصد سفر به هندوستان<sup>۶</sup> مدت کوتاهی در منزل حاج عبدالنبی از تاجرین نامی بوشهر مهمان شد. در بازگشت از هند، با تجاربی که از مصاحبت با فضلا و علمای ممالک گوناگون به دست آورده بود و با در نظر داشتن سیطره مکاتب سنتی در جنوب، درصدد بهبود شرایط تعلیم و تربیت در این مناطق برآمد. با چنین انگیزه‌ای بار دیگر در سال ۱۳۰۳ ق عازم بوشهر شد<sup>۷</sup> و به مدت چهارماه مقیم این شهر گردید.<sup>۸</sup> فرصت‌الدوله شیرازی که در مکتب او تلمذ می‌نمود،

۱. محمدحسین اعتمادالسلطنه، *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه* (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۰)، به کوشش ایرج افشار، ص ۵۲۴.

۲. عیسی خان صدیق، *ایران مدرن و نظام آموزشی آن*، ترجمه علی نجات غلامی (تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۷)، ص ۴۰، ۶۷.

۳. همان، ص ۶۸، ۱۶۵.

۴. *فلاحات مظفری*، ش ۱۱، ص ۴ (۱۳۱۹ ق)، ص ۵۱.

۵. *فلاحات مظفری*، ش ۱۹، ص ۴ (۱۳۲۳ ق).

۶. او در کلکته درخصوص فواید محتوای تعالیم جدید آموزشی و علت رکود جوامع اسلامی سخنرانی کرد (قاسمی پویا، ص ۱۷۵).

۷. محمدعلی خان سدیدالسلطنه کبابی، «سید جمال‌الدین اسدآبادی در بوشهر»، *کاوه*، ش ۹، ص ۲ (فروردین ۱۳۹۱)، ص ۱۰.

۸. فرصت‌الدوله شیرازی، *آثار عجم* (تهران: نشر بامداد، ۱۳۶۲)، ص ۱۱.

دروسی را که سید به انگلیسی می‌آموخت به فارسی ترجمه می‌کرد. سدیدالسلطنه کبابی نیز به صلاح‌الدین پدرش، حاجی احمدخان که از بزرگان شهر بود، در مکتب وی با علوم جدیدی همانند تاریخ و جغرافیا و کره جغرافی آشنا شد. توجه سید به این دروس بیانگر پیشرو بودن او در ایران است، چه اینکه حدود دو دهه بعد، در مطبوعات از فروش اطلس‌های جهانی و کتب جغرافیا اخبارهایی منتشر شد.<sup>۱</sup> اهمیت این امر چنان بود که نمایندگان کنسولگری‌های خارجی هنگام بازدید از مدارس به شاگردان اطلس و کره جغرافیا اهدا می‌کردند. به خصوص در بوشهر و بندر لنگه نمایندگان روس به‌عنوان حامی مالی در جلسات امتحان، به‌ویژه امتحان تاریخ و جغرافی، حضور می‌یافتند و از دانش‌آموزان در این زمینه‌ها سؤالاتی می‌پرسیدند و به آنها نقشه جغرافیا اهدا می‌کردند.<sup>۲</sup>

سید جمال با برچیدن بساط تعالیم قدیم، پایه‌گذار آموزه‌های نوین در بوشهر و به عبارت دقیق‌تر در جنوب ایران شد و کتبی چون *ناسخ التواریخ و سیره نابلئون اول* را جایگزین تعالیم قبلی کرد. شیخ محمدباقر بهبهانی نیز در مکتبخانه احمدیه<sup>۳</sup> تلاش کرد از آموزه‌های سید در مکتب بهره بگیرد. یک سال بعد مدرسه پروتستان‌های بوشهر افتتاح شد<sup>۴</sup> که به دلیل مخالفت روحانیون مسلمان خیلی زود تعطیل شد. در این میان فرانسوی‌ها که در سال ۱۳۰۷ق موفق به تأسیس نایب کنسولگری خود در بوشهر شدند،<sup>۵</sup> به بهانه حمایت مالی از تعالیم جدید، مدرسه‌ای در بوشهر احداث کردند که عصرگاه هر روز به مدت چهار ساعت تا غروب دایر بود.<sup>۶</sup> پس از گذشت سه دهه چهره‌نما با انتشار مطلبی با عنوان «مکتوب ۲۹ سال پیش شهید اعظم، اولین فیلسوف شرق آسیا، سید جمال‌الدین اسدآبادی (اسدآبادی همدانی الشهیر به افغانی) که یکی از دوستان او نوشته»<sup>۷</sup> جایگاه او را در پیشبرد تعالیم نوین در ایران یادآور شد. اسدآبادی راه نجات ملت و ترقی جامعه را در ارتقای علم و تأسیس مدارس می‌دانست.

نخستین مدرسه نوین در بوشهر سرانجام به همت احمدخان دریابگی که همانند اسدآبادی به اهمیت گسترش تعالیم جدید باور داشت، با الگوبرداری از دارالفنون و مدارس رشدیه احداث گشت.<sup>۸</sup> در حبل المتین آمده است: «سرانجام مدرسه سعادت به همت دریابگی، حاکم فارس، در ذی‌القعدة ۱۳۱۷ تأسیس شد.»<sup>۹</sup> اولین مدیر این مدرسه عبدالکریم بود. پس از او برادرش شیخ محمدحسین مدیر مدرسه

۱. اطلاع، نمره ۵۵۶ (۱۳۱۹ق)، ص ۳.

۲. فلاح مظفری، ۷۰ (۱۳۲۲ق)، ص ۱۱۱۹-۱۱۲۰.

۳. قدیمی‌ترین مکتبخانه بوشهر که به مدیریت شیخ احمد در ۱۲۵۹ق/۱۸۴۳م احداث شد (کریمی، ص ۳۳۳؛ احمد دشتی، نگاهی به تاریخچه مدرسه سعادت بوشهر (بوشهر: همسایه، ۱۳۸۷)، ص ۱۹؛ قاسم یاحسینی، مطبوعات بوشهر (بوشهر: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر، ۱۳۷۴)، ص ۲۲۶).

۴. مدرسه ارامنه بوشهر در ۱۹۰۷م تأسیس شد (احمد اقتداری، خلیج فارس (تهران: انتشارات کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۶)، ص ۱۰۱).

۵. محمدعلی جناب، خلیج فارس نفوذ بیگانگان و رویدادهای سیاسی، ۱۸۷۵-۱۹۰۰ (تهران: پژوهشکده علوم انسانی، ۱۳۶۵)، ص ۱۱۲.

۶. فلاح مظفری، ش ۷۰، ص ۳ (۱۳۲۲ق)، ص ۱۱.

۷. چهرنما، ش ۲۱، ص ۷ (۱۳۲۸ق)، ص ۷-۸.

۸. منوچهر بیضایی و دیگران، سالنامه فرهنگ بنادر جنوب (بوشهر: چاپخانه گلستان شیراز، ۱۳۳۷)، ص ۲۸-۲۹.

۹. حبل المتین، ش ۲۲، ص ۷، ص ۲۰؛ نریا، نمره ۲۹، ص ۱۲؛ اطلاع، نمره ۵۴۸ (۱۳۱۹ق)، ص ۱.

شد. مقارن با ساخت مدرسه، روس‌ها نیز در بنادر بوشهر و لنگه دفاتر کنسولگری خود را تأسیس و سدیدالسلطنه کبابی را کارگزار خود تعیین کردند.<sup>۱</sup>

تأسیس مدرسهٔ سعادت به الگویی برای سایر بنادر و جزایر خلیج فارس بدل شد.<sup>۲</sup> جریدهٔ ثریا ضمن تقدیر از مدرسهٔ سعادت، عامل آهستگی پیشرفت بوشهر و سایر شهرهای جنوب را نبود راه‌آهن برای رسانیدن کالاهای مورد نیاز اعلام نمود.<sup>۳</sup> موضوعی که جزء مطالبات شهرهای شمالی خصوصاً بندر انزلی به‌عنوان معبر و دروازهٔ تمدنی شمال ایران نیز بود، شهری که نخستین مدرسهٔ نوین در آن در سال ۱۳۳۹ق/ ۱۹۱۱م ساخته شد. چون وجود راه‌آهن در این مسیر می‌توانست دو دروازهٔ تمدنی ایران را در شمال و جنوب به یکدیگر پیوند بزند، انگلیسی‌ها مانع ساخت آن می‌شدند.

چندی بعد هیئت امنای مدرسهٔ سعادت مدرسی را در بندرعباس، بهبهان و لنگه بنا کرد. در این میان، با وقوع جنگ جهانی اول بنادر شمال و جنوب صحنهٔ حضور دول متخاصم گردید. اما تغییرات آموزشی و فرهنگی ولو به‌کندی همچنان ادامه داشت. مطبوعات نیز با توجه به بسط تملک خارجیان، در حمایت از مدارس نوشت: «ثواب ساخت مدرسه معادل ثواب رفتن به حج است.»<sup>۴</sup> موفقیت حاصل از ساخت این مدارس، کشورهای همسایه مثل بحرین<sup>۵</sup> و حتی شهرهای عراق همانند نجف و کاظمین را نیز ترغیب کرد که آموزش نوین را ترویج دهند. پیش‌تر مدارس علوم دینی، چون مدرسهٔ سلطان‌العلماء در بندر لنگه، مورد توجه همسایگان ایران از جمله کشورهای عربی حوزهٔ خلیج فارس قرار گرفته بود. سه نسل از این خانواده (حاج ملایوسف، پسرش شیخ عبدالرحمن و فرزند او شیخ محمد خالدی) در اشاعهٔ مکتب‌داری دینی ممارست‌های بی‌شماری نموده بودند و بسیاری از خارج برای تلمذ به این مدرسه می‌آمدند. خان بستک به فرمان ناصرالدین شاه به عبدالرحمان لقب سلطان‌العلماء داد.<sup>۶</sup> شیخ محمد خالدی نیز در مدرسهٔ محمدیهٔ بندر لنگه به‌عنوان آموزگار استخدام گردید. در فهرست صالح ادیب، نمایندگی معارف لنگه، نام سایر مکتب‌داران قدیمی و تعداد طلاب و مدارس ذکور و اناث و مختلط بین سال‌های ۱۳۱۲-۱۳۱۳ش ذکر شده است. از پنج مکتب‌دار مدارس مختلط سه نفر زن (ملا خدیجه، عایشه و مریم) و دو نفر مرد (ملا محمدصالح کورده و محمود ولد حسن) بودند. مکتب محمدرضا بلوکی با دو نفر شاگرد کوچک‌ترین

۱. تقی نصر، *ایران در برخورد با استعمارگران از آغاز قاجاریه تا مشروطه* (تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۳)، ص ۳۱۶.

۲. ثریا، ش ۲۵، ص ۲ (۱۳۱۸ق)، ص ۲۵-۲۶.

۳. ثریا، ش ۴۲ (۱۳۱۸ق)، ص ۱۰.

۴. *فلاحات مظفری*، نمره ۱ (۱۳۱۹ق)، ص ۳.

۵. ساکما، ۳۱۰/۳۹۷۲؛ مسعود کیهان، *جغرافیای مفصل ایران*، ج ۱ (تهران: مطبعهٔ مجلس، ۱۳۱۰)، ص ۱۰۷.

۶. حسین نوریخس، *بندرلنگه در ساحل خلیج فارس* (هرمزگان: ادارهٔ کل فرهنگ و هنر استان هرمزگان، ۱۳۵۸)، ص ۳۱۸؛ در دورهٔ پهلوی اول وزیر آموزش و پرورش طی نامه‌ای از خدمات وی تقدیر و تشکر نمود (ساکما، ۳۹۷/۱۵۴۰۸).

مکتب بود.<sup>۱</sup> مدرسه شیخ احمدنور حنفی در نخل خلفان، مدرسه شیخ محمد عبدالعزیز گجویی در فرامرزان و مدرسه سید محمد عالم در روستای دژگان نیز تا قبل از جنگ جهانی دوم همچنان دایر بودند.<sup>۲</sup> حمایت مردم در تداوم حیات این مکاتب و مدارس قدیمی تأثیرگذار بود، اما مدارس جدید به حمایت‌های بیشتری نیاز داشتند تا به تعطیلی کشانده نشوند. به همین علت، در فهرست نخستین حامیان مدرسه و اعانه‌دهندگان، علاوه بر نام وکلای مدرسه و تجار ایرانی، نام نمایندگان از کنسولگری فرانسه و مسئولین گمرک هم دیده می‌شود.<sup>۳</sup> اگرچه گاه از کم‌کاری وکلای مدرسه گلایه می‌شد و برخی حتی آنها را منتخب مردم نمی‌دانستند. از سویی علاوه بر تاجران ایرانی، تجار مسیحی نیز به جمع حامیان مالی مدارس پیوستند.<sup>۴</sup> روس‌ها و انگلیسی‌ها بیشترین نقش را در اداره مالی مدارس داشتند و از طریق ارزیابی نتایج جلسات امتحان بر مدارس نظارت می‌کردند.<sup>۵</sup> البته حضور و تردد مکرر خارجی‌ها، به‌خصوص انگلیسی‌ها، آسیب‌های فرهنگی چون رواج واژه‌های انگلیسی در زبان محاوره‌ای اهالی بندر لنگه و بوشهر را نیز به دنبال داشت.<sup>۶</sup> در حالی زبان انگلیسی در این مناطق رخنه کرده بود که وزیر مختار فرانسه طی مراسم اهدای تصدیق‌نامه به شاگردان مدرسه آلیانس در سفارت فرانسه در تهران، با در نظر داشتن این امر که این مدرسه به منظور ترویج زبان فرانسه یک سال پیش از مدرسه سعادت بوشهر در زمان ناصرالدین شاه تأسیس گردیده است،<sup>۷</sup> بر لزوم ترویج زبان فرانسه در کنار زبان فارسی و انگلیسی در مدارس ایران تأکید نمود.<sup>۸</sup>

### تأسیس مدارس نوین در بندر لنگه

مقارن با شکل‌گیری نهضت مشروطه، سید عبدالحسین لاری رهبری مشروطه‌خواهان لنگه را در دست داشت و با توجه به التهاب جامعه و سیطره مکتبخانه‌های سنتی، صحبتی از تعلیم نوین نبود و کودکان بیشتر در پی آموختن شغل پدران خود بودند. درج شغل والد در فرم ثبت‌نام شاگردان مدرسه سعادت بوشهر نشان می‌دهد مشاغل چون تاجر و ملاح و زارع در رتبه نخست و انباردار، بزاز، خیاط، بقال و درشکه‌چی در رتبه دوم متداول‌ترین مشاغل در کرانه‌های خلیج فارس بودند. در این میان تنها شغل پدر شاگردی به نام احمد از شیراز، به نام حاجی یحیی عکاس شیرازی، با بقیه متفاوت بود. همچنین در

۱. ساکما، ۲۹۷/۸۰۱۱.

۲. نوربخش، ص ۳۱۱. در آستانه جنگ جهانی دوم نیز در جناح نخستین مدرسه نوین با نام توحید در مقطع ابتدایی تأسیس شد (کریمی، ص ۱۰۸).

۳. فلاحت مظفری، نمره ۴ (۱۳۱۹ق).

۴. پرورش، ش ۱، ص ۱ (۱۳۱۹ق)، ص ۸-۹.

۵. فلاحت مظفری، نمره ۲۰، ص ۴ (۱۳۲۳ق)، ص ۳.

۶. ایرج افشار سیستانی، شناخت استان هرمزگان (تهران: جهان معاصر، ۱۳۷۳)، ص ۳۰۴.

۷. ساکما، ۲۹۷/۱۷۲۴۳.

۸. تربیت، ش ۳۱۹، ص ۳ (۱۳۲۲ق)، ص ۱۴۶۱-۱۴۶۵.

این مقطع برخی از مشاغل همانند منشی‌گری و مترجمی و تلگرافچی به دنبال تأسیس کنسولگری‌های مختلف در بوشهر و لنگه ایجاد شده بود. البته برخی از مردم بومی این دو شهر نیز در کنسولگری‌ها به کار مشغول بودند، از جمله در کنسولگری انگلیس که حقوق آنان به رویه بود و از مقر انگلیسی‌ها در بمبئی تأمین می‌شد. کاپیتان آرنولد در نامه‌ای به بمبئی برای ملا احمد، کارگزار بندر لنگه، تقاضای افزایش دستمزد می‌نماید.<sup>۲</sup> حتی در میان بومیان منطقه افرادی مایل به کار در کشتی‌های خارجی به‌عنوان ملوان یا کارگر بودند. در چنین شرایطی کودکانی که در کرانه‌های دریا رشد و نمو می‌یافتند، بیشتر به مشاغلی چون ماهی‌گیری و صید مروارید و ساخت قایق متمایل بودند، خصوصاً آنکه بندر لنگه محل تردد کشتی‌های تجاری کشورهای چینی و هندوستان بود.<sup>۳</sup>

در همین بین عوامل انگلیسی ساکن در بوشهر و بندر لنگه حاصل مشاهدات خود را از راه‌ها و وضعیت اقتصادی و اجتماعی مردم این مناطق و نواحی حاشیه‌ای خلیج فارس ثبت می‌کردند. برخی از این گزارشات به صورت نقاشی توسط افرادی چون جوزف داری<sup>۴</sup> و هنری چارز<sup>۵</sup> یا به صورت عکس به سرکنسولگری انگلستان در هند مخابره می‌شد. عکس‌های به‌جامانده از بندر لنگه و بوشهر در آرشیو کتابخانه دیجیتال قطر به‌عنوان آثاری از عکاسی ناشناس معرفی شده است، حال آنکه بنا بر اطلاعات نسخه اصلی موجود در آرشیو کتابخانه بریتانیا عکاس این آثار لرد کرزون بوده است. وی این عکس‌ها را وقتی سوار بر عرشه کشتی ریم بوده، از بندر لنگه، بوشهر، هرمز و سایر بخش‌های خلیج فارس گرفته است.<sup>۶</sup> کشتی‌های انگلیسی عمدتاً میان سواحل خلیج فارس و هندوستان در تردد بودند. هندیان بسیاری از این طریق از کراچی، بمبئی یا دهلی به جنوب ایران مهاجرت می‌کردند. علاوه بر این، بخش عمده مهاجران ساکن بندر لنگه عرب‌زبان و اهل بحرین، عربستان، امارات و اندکی افریقایی‌الاصل بودند. بخش اعظم این مهاجران به دلیل مساعد نبودن شرایط معیشتی لاجرم در ۱۳۱۶ق/ ۱۸۹۸م رهسپار

۱. دشتی، ص ۱۰۷-۱۱۵.

2. East India Company, "Persian Gulf Increase of salary to the Native Agent at Lingah - sanctioned", British Library: India Office Records and Private Papers, IOR/F/4/2575/152547, in Qatar Digital Library, [https://www.qdl.qa/archive/81055/vdc\\_100108938398.0x000001](https://www.qdl.qa/archive/81055/vdc_100108938398.0x000001).

۳. لیتن ویلهلم، *ایران از نفوذ تا تحت‌الحمایگی* (۱۸۶۰-۱۹۱۹)، ترجمه مریم میراحمدی (تهران: معین، ۱۳۶۷)، ص ۷۷-۷۸؛ سدیدالسلطنه، ص ۲۱۳-۲۰۷.

4. Joseph D'Arcy, "Abou-Shehr or Bushire, Persian Gulf"/"On the road to Dalkin [Daliqi] from Bushire showing the mirage" (1780-1846) [3r] (1/2), British Library: India Office Records and Private Papers, WD3274/28, in Qatar Digital Library, [https://www.qdl.qa/archive/81055/vdc\\_100027090276.0x000006](https://www.qdl.qa/archive/81055/vdc_100027090276.0x000006).

5. Henry Charles, "The Reported French Gain in Muscat, Scenes on the Persian Gulf. Illustration for The Illustrated London News, 25 February 1899", <https://www.bridgemanimages.com/en-US/wright/the-reported-french-gain-in-muscat-scenes-on-the-persian-gulf-litho/lithograph/asset/1598548>.

6. Lord, Curzon, "General view from R.I.M.S. Hardinge, Lingah, from 'Photographs of Lord Curzon's tour in the Persian Gulf, November, 1903", British Library Board, <https://www.bridgemanimages.com/en-US/english-photographer/general-view-from-r-i-m-s-hardinge-lingah-from-photographs-of-lord-curzon-s-tour-in-the-persian-gulf/photograph/asset/4071046>.

کشورهای همسایه شدند.<sup>۱</sup>

برای بیشتر مهاجران آموزه‌های سنتی مکتبخانه کافی بود، آموزه‌هایی که مکتب‌های بومی در اختیار افراد قرار می‌دادند. از قدیمی‌ترین این مکتب‌ها «رحمانیه» ساخته شیخ عبدالرحمن بن یوسف سلطان‌العلماء در تاریخ ۱۳۱۱ق در بستک بود.<sup>۲</sup> بستک از مهم‌ترین قصبه‌های بندر لنگه بود که به محل اسکان تجار ایرانی و خارجی تبدیل شده بود؛<sup>۳</sup> اولین قصبه‌ای که مدرسه مصطفویه، از سری مدارس نوین، به همت حاجی شیخ مصطفی بستکی در سال ۱۳۴۳ق در آن ساخته شد. نخستین امتحان مدرسه با حضور جمعی از خوانین، شیوخ و تجار در حضور محمدرضاخان بنی‌عباس برگزار گردید و اسامی شاگردان ممتاز در مطبوعات درج شد.<sup>۴</sup> حکمران وقت بندر لنگه و نمایندگان از کنسولگری انگلیس و مدرسه محمدیه برای نظارت بر وضعیت شاگردان در جلسات امتحان حضور یافتند.<sup>۵</sup> مدیر مدرسه، مولوی عبدالله، اصالتاً هندی بود و وسایل مدرسه چون تخته‌سیاه و برخی کتب را از بمبئی تهیه می‌نمود. به اکابر علاقه‌مند به سوادآموزی هم شبانه درس می‌داد.<sup>۶</sup> این وضعیت البته دوام چندانی نیافت، زیرا بستک و حوالی آن با حملات تراکم دستخوش ناآرامی شد و در پی آن مقر تجاری شرکت آلمانی ونک هاوس<sup>۷</sup> که از حامیان مدارس ایرانی بود آسیب دید.<sup>۸</sup> این شرکت با قطع حمایت‌های خود از ایران درخواست غرامت کرد.<sup>۹</sup>

## انجمن آزاد و فتح باب مدارس نوین

لنگه تابع حاکم بنادر خلیج‌فارس به مرکزیت بوشهر و ضمیمه لارستان بود و از نظر محاسبات مالیاتی کشور نیز جزء بلوک جهانگیریه به شمار می‌آمد.<sup>۱۰</sup> این شهر تا پیش از تنزل، به دلیل رونق و آبادانی به عروس بنادر شهره بود.<sup>۱۱</sup> در تلاش برای رونق دوباره لنگه، مشروطه‌خواهان در سال ۱۳۲۵ق/ ۱۹۰۷م برای همراهی با نهضت مشروطه انجمنی با نام «انجمن آزاد» راه‌اندازی کردند.<sup>۱۲</sup> هدف انجمن ارتقای آگاهی عموم مردم از رویدادهای ایران و دیگر ممالک بود. از این رو، درصدد تشکیل قرائت‌خانه‌ای

۱. سدیدالسلطنه کبابی، ص ۱۹۹-۲۰۰؛ محمداعظم بنی عباسیان بستکی، تاریخ جهانگیریه و بنی عباسیان بستک، به کوشش عباس انجمن‌روز (تهران: چاپخانه کیوان، ۱۳۳۹)، ص ۲۹۸.

۲. کامله بنت الشیخ عبدالله القاسمی، تاریخ لنجه (دبی: مکتبه الدبی للتوزیع، ۱۹۹۳)، ص ۵۱.

۳. فلاحت مظفری، ش ۱۱، ص ۳ (۱۳۱۹ق)، ص ۳۹.

۴. چهارنما، ش ۲، ص ۲۲ (۱۳۴۵ق)، ص ۱۵.

۵. امید، نمرة ۶ (۱۳۳۸ق)، ص ۱۹.

۶. مصطفی قلی عباسی، بستک و جهانگیریه (تهران: جهان معاصر، ۱۳۷۲)، ص ۱۰۵.

7. Wonckhaus

۸. چهارنما، ش ۲۰، ص ۷ (۱۳۳۸ق)، ص ۱۲.

۹. استادوخ، سال ۱۳۲۷ق، کارتن ۴، پوשה ۲۲، برگ ۱۴؛ سال ۱۳۲۷ق، کارتن ۴، پوשה ۲۲، برگ ۱۳.

۱۰. غلامحسین بایندر، خلیج‌فارس (تهران: بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۸۸)، ص ۴۸-۴۹.

۱۱. محمدابراهیم کازرونی، تاریخ بنادر و جزایر خلیج‌فارس، تصحیح منوچهر ستوده (کیلان: مؤسسه فرهنگی جهانگیری، ۱۳۶۷)، ص ۱۱۵.

۱۲. چهارنما، ش ۷، ص ۱۳۳۶؛ سر پرسی کاکس، گزارش‌های سالانه سر پرسی کاکس سرکنسول انگلیس در بوشهر (۱۹۰۵-۱۹۱۱م/۱۳۲۹-۱۳۳۳ق)،

ترجمه حسن زنگنه (بوشهر: انتشارات پروین با همکاری مرکز مطالعات بوشهرشناسی، ۱۳۷۷)، ص ۶۰.

برای خواندن جراید برآمد-در همین زمان روزنامه‌هایی چون صور اسرافیل منتشر می‌شد.<sup>۱</sup> اعضای انجمن سرانجام در محل اداره امور دارایی و اقتصاد مدرسه‌ای به نام انجمن آزاد به مدیریت معطوف زنجانی تأسیس کردند.<sup>۲</sup> آنها سعی داشتند ضمن سواد خواندن و نوشتن، به دانش‌آموزان مشق نظامی و مشروطه‌خواهی بیاموزند.<sup>۳</sup>

مدرسه انجمن آزاد سومین مدرسه بعد از دارالفنون در تدریس مشق نظامی به شمار می‌آمد. اگرچه مدتی پس از تأسیس به حالت تعطیل درآمد، با مساعدت و کلاهی مدرسه سعادت دوباره باز شد. امیر دریابگی، حکمران بنادر، که از فارغ‌التحصیلان دارالفنون و حامیان ساخت مدرسه بود، علاوه بر لزوم کمک مالی بر حرمت‌گذاری به مدرسه و قرائت‌خانه تأکید نمود.<sup>۴</sup> مدرسه انجمن آزاد که بستر آشنایی با تعالیم جدید را در بندر لنگه فراهم آورد و آموزه‌های نوین و قدیم را با تعالیم نظامی درآمیخت، نخستین مدرسه نوین در بندر لنگه محسوب می‌گردد. اگرچه این مدرسه دو سه سال بیشتر دوام نیافت، منجر به ایجاد مدرسه محمدیه گردید. نوریبخش در این خصوص می‌گوید: «... بعداً سطح فرهنگ مردم بالا رفت و افکار مردم در نتیجه مسافرت‌های خارج روشن‌تر شد و در فکر تأسیس مدرسه بزرگی افتادند. آقای عبدالله گله‌داری ساختمانی را که از اموال قبلی (شیخ محمد شیخ خلیفه) بود و بعداً به او رسیده بود، تعمیر و در اختیار مردم گذارد. در سال ۱۳۳۲ هجری در محل ساختمان مذکور مدرسه‌ای به نام محمدیه تأسیس شد.»<sup>۵</sup> حبل‌المتین نیز نوشت: «در زمانی که مدحت‌السلطنه نایب حاکم بندر لنگه و نماینده دوره سوم مجلس شورای ملی بود، به همت تجار در ۲۹ شعبان ۱۳۳۲ق/ ۱۲۹۲ش مدرسه تأسیس شد.»<sup>۶</sup>

در این میان اکبرخان موقرالملک که مدعی تأسیس مدرسه محمدیه شده بود، با انتقاد مطبوعات مواجه شد: «مدرسه محمدیه لنگه که سابقاً به اسم دبستان آزاد بود و مؤسسين او آقای علاءالسلطان و آقای سدیدالسلطنه در سال ۱۳۲۵ق به همراهی و مساعدت تجار بوده‌اند، حالیه آقای موقرالملک خود را مؤسس او قرار داده‌اند، در صورتی که در این مدت یک‌بار به مدرسه بیشتر نرفته‌اند.»<sup>۷</sup> بانیان مدرسه به خاطر حفظ وحدت قلبی مسلمان اهل تشیع و اهل تسنن نام محمدیه را برای مدرسه انتخاب کردند.<sup>۸</sup> علاوه بر علاءالدوله و سدیدالسلطنه یکی دیگر از بانیان مدرسه که مدیریت آن را نیز عهده‌دار شد، شیخ عبدالحق از ادبای هندوستان بود. لکن در روزنامه حبل‌المتین آمده است: «تجار بندر لنگه نتیجه

۱. مؤیدالاسلام اولین کسی بود که پیشنهاد ایجاد مکانی برای خواندن مطبوعات را مطرح کرد.

۲. پیش از تشکیل انجمن در مطبوعات اخباری از زنجانی و فعالیت مشروطه‌خواهان در لنگه منتشر می‌شد (چهره‌نما، ش ۵۹ (۱۳۲۲ق)، ص ۹).

۳. القاسمی، ص ۱۸۰.

۴. مسعود کوهستانی‌نژاد، قرائت‌خانه‌های ایران از آغاز تا ۱۳۱۱ شمسی (تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۸۲)، ص ۷۲.

۵. نوریبخش، ص ۵۷، ۳۱۴.

۶. حبل‌المتین، ش ۱۰، ص ۳۴، ص ۱۱.

۷. چهره‌نما، ش ۷ و ۸، ص ۲۱، ص ۲۷-۲۸.

۸. ساکما، ۲۰۸۳۸/۲۹۷.

جهالت اطفال را حس کرده برای رفع و دفع این‌گونه بدبختی درصد ایجاد یک باب مدرسه برآمدند تا اطفال خردسال خود را علم آموخته و مانند سایرین بی‌سواد نگذارند که به همت و حس معارف‌خواهی خود یک باب مدرسه موسوم به محمدیه در تحت مدیریت یک نفر ایرانی تشکیل دادند.<sup>۱</sup> همزمان با حفظ موقعیت تجاری بندر لنگه، مدرسه آن نیز دارای عمارت شد.<sup>۲</sup> ساختمان این مدرسه که از آن حاج معین‌التجار بوشهری بود، از او به مبلغ یک هزار و پانصد تومان خریداری شد.<sup>۳</sup>

در این مقطع مدحت‌السلطنه، بنیان‌گذار سعادت، از افراد تأثیرگذار در تقویت پایه‌های تعلیم و تربیت در این مناطق بود. تلاش‌های او منجر به ارتقای سطح آگاهی عمومی و افزایش تعداد مشتاقان به تحصیل در مدارس شد. خدمات ارزشمند او موجب شد مردم خواستار انتصاب وی به ریاست اداره معارف بندر لنگه شوند.<sup>۴</sup> با این حال، وی مدتی بعد استعفا داد و پس از این رفته‌رفته مدرسه محمدیه با مشکلات متعددی مواجه شد. در مقاله‌ای در چهره‌نما از صحیح‌علی‌رضا، از شاگردان قدیم مدرسه محمدیه، آمده است:

چندی نگذشت که مدحت‌السلطنه استعفا و به جای ایشان میرزا ابوالقاسم خان مقرر گردید. ایشان نیز در راه مدرسه از هر گونه کوشش خودداری نمودند و بی‌اندازه در ترقی مدرسه جدوجهد می‌فرمودند. پس از آنکه این نایب‌الحکومه هم کنار رفت، به حسن اهتمام عبدالمحمد نمازی که همان وقت مدیر مدرسه بود، روزبه‌روز احوال مدرسه بهتر و عده شاگردان در تزايد بود. بالاخره میرزا عبدالمحمد نمازی استعفا داد و مدرسه از رونق سابقش کاسته شد و روزبه‌روز حالش بدتر از بد شد. شهاب‌الدین هم بیرون رفت و کنون مدیر مدرسه آقا شیخ عبدالحق (A.B) است. چند ماه پیش از این صندوق چنان خالی شد که یک شاهی در آن پیدا نمی‌شد...<sup>۵</sup>

اداره مالیة بندر لنگه نیز به این بهانه که مدرسه از خالصجات دولت است، خواست ساختمان آن را مصادره کند، اما تجار تصمیم گرفتند این مشکل را حل کنند و از اداره مالیة یک ماه فرصت گرفتند.<sup>۶</sup> احمد فرامرزی در نامه‌ای به وزارت مالیة گفت عمارت محمدیه از سال ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۵ ش به ظن خالصکی به تصرف دولت درآمده و با اجازه از مرکز مالیة به هیئت مدیره مدرسه اجاره داده شده است. طی این مدت ۱۶۳ تومان از صندوق فقیر مدرسه به‌عنوان مال الاجاره به اداره مالیات پرداخت شده است. وی در ادامه ضمن تأکید بر خالصه نبودن عمارت، متقاضی استرداد آن مبلغ به مدرسه گردید.<sup>۷</sup> در همین زمان، یکی

۱. حبل‌المتین، ش ۹، ص ۳۳، ص ۱۳.

۲. حبل‌المتین، ش ۳۵، ش ۱۵ و ۱۴، ص ۱۵.

۳. چهره‌نما، ش ۱۱، ص ۲۳، ص ۲۰.

۴. ساکما، ۲۹۷/۲۵۶۴۶.

۵. چهره‌نما، ش ۹۶، ص ۱۸ (۱۳۳۹ق)، ص ۱۸.

۶. چهره‌نما، ش ۲۹، ص ۳۳، ص ۱۳.

۷. ساکما، ۲۴۰/۱۲۹۴۸.



از معلمان پس از بروز اختلافاتی از مدرسه محمدیه استعفا داد و مدرسه پهلوی را در سال ۱۳۰۳ ش در بندر لنگه تأسیس کرد. در بندر کنگ، از دیگر قصبه‌های بندر لنگه، نیز نخستین مدرسه نوین در مقطع ابتدایی در ۱۳۰۹-۱۳۱۰ ش دایر شد. اهل تسنن بندر کنگ اما اعتراض داشتند که دروس دینی مدرسه صرفاً براساس آموزه‌های اهل تشیع تدریس می‌شود و از سویی به دلیل عدم دریافت کمک و اعانه، مدرسه تنها دو سه نفر شاگرد دارد. دیگر اینکه می‌گفتند نظامی بودن مدرسه و تربیت شاگردان به منظور خدمت در نظام وظیفه امری نامعمول و بی‌سابقه در کنگ است.<sup>۱</sup>

پس از استعفای نمازی از مدیریت مدرسه محمدیه، شهاب‌الدین هندی و سپس شیخ عبدالحق هندی در این جایگاه قرار گرفتند. در سال ۱۳۰۹ ش نیز مجدداً یک تبعه هندی به نام پیربخش مدیر مدرسه شد. به نظر می‌رسد علت به کار گرفتن نیروهای خارجی ناآگاهی و بی‌تجربگی معلمان مدرسه بود. چنانکه کسانی چون محمدتقی روانشاد (فیلسوف)<sup>۲</sup>، از مدیران مدرسه سعادت مظفری، درصدد برگزاری کلاس‌هایی برای تعلیم به معلمان برآمدند و برخی از این معلمان آموزش دیده در مدارس بندر لنگه به تدریس مشغول شدند. اما استخدام و حتی استعفای نیروهای خارجی تحت سیطره خود آنها انجام می‌شد. تاجران و حامیان مدرسه علت انتخاب معلمان هندی را چنین بیان کردند: «هنوز دایره معارف دولت این قدر وسعت پیدا نکرده... ناچار باید از شهرهای هند معلم بخواهیم.»<sup>۳</sup> روزنامه استخر نیز در متنی نقادانه نوشت: «معارف لنگه مدرسه محمدیه ملی است ولی به مدیریت یک نفر هندی اداره می‌شود. هر چند مدیر عالم و تحصیل کرده باشد اما علاقه‌مندی یک نفر خارجی به مملکت دیگر از روی صمیمیت نیست و قلب بی‌آلایش اطفال دبستان به واسطه فقدان اجزای عالم ایرانی پذیرای تربیت ایرانی وطن نخواهد شد.»<sup>۴</sup> همچنین روزنامه گلستان اظهار نمود: «مدیر مدرسه لنگه یک نفر هندی است که هنوز با اینکه ۵ سال است ماهی قریب هشتاد تومان ظاهراً موجب می‌گیرد و هر ساله دو ماه به هند برای تفرج می‌رود و زبانش برای تکلم به فارسی باز نشده و در حقیقت یک نفر از علاقه‌مندان به حکومت هندی است...»<sup>۵</sup> شیخ محمد شیرازی از معلمان مدرسه محمدیه هم طی نامه‌ای به وزارت جنگ در این خصوص مواردی را متذکر شد: «مدرسه محمدیه تحت نظر هیئت وزارت معارف ایران یا اداره معارف بنادر جنوب نیست، مدت‌ها است مدیر مدرسه شخصی هندوستانی است، رعیت خارجه علاقه‌مند به ایران نیست، مقصودش این است اطفال مدرسه بزرگان مملکت خود را نشناسند و پی به

۱. ساکما، ۲۵۱/۶۰.

۲. محمدحسین رکن‌زاده آدمیت، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، ج ۲ (تهران: کتابفروشی اسلامیة و خیام، ۱۳۳۹)، ص ۶۲۷.

۳. استخر، ش ۷۴، ص ۱۷، ص ۷.

۴. استخر، ش ۳۹، ص ۷، ص ۳.

۵. گلستان، ش ۲۷۴، ص ۷، ص ۲.

حقوق جامعه‌شان نبرند...»<sup>۱</sup> پس از استعفای شهاب‌الدین در سال ۱۳۳۷ق، دیگر معلمان انگلیسی یا هندی در مدرسه به کار گرفته نشدند.<sup>۲</sup>

اهمیت روزافزون مدارس نوین در جنوب ایران، خصوصاً مدارس سعادت و محمدیه، موجب می‌شد گاه از مدیران، معلمان و شاگردان آنها برای شرکت در برخی از مراسم‌های تشریفاتی با حضور رجال خارجی دعوت شود. از جمله دعوت از مدحت‌السلطنه برای سخنرانی در مراسم تاج‌گذاری احمدشاه قاجار یا شرکت معلمان و شاگردان مدارس محمدیه و پهلوی در مراسم تاج‌گذاری رضاشاه که بنا به گفته سید احمد سید محمد بستکی، از دانش‌آموختگان مدرسه مصطفویه بستک، معلمان در وصف شاه و مملکت پرستی خطابه‌هایی ایراد کردند و شاگردان در مدح رضاشاه سرودهایی خواندند.<sup>۳</sup> همچنین از شاگردان محمدیه برای حضور در مراسم افتتاح اولین خط هوایمایی انگلستان به هند از طریق جاسک -لنگه- بوشهر و خلیج فارس در ۱۳۳۶ق/ ۱۹۱۸م دعوت شد و به موجب آن مدرسه در همان روز تعطیل شد.<sup>۴</sup>

### منابع مالی و بودجه مدارس بندر لنگه

بودجه مدرسه محمدیه در اوایل از راه مال‌التجاره تأمین می‌شد. اما با رکود تجاری بندر لنگه، مدرسه نیز با مشکل مالی مواجه شد.<sup>۵</sup> کمک‌های هیئت مؤسسان مدرسه سعادت هم در بهبود اوضاع مالی آن چندان اثربخش نبود. ناتوانی در تأمین احتیاجات اولیه مدرسه و عدم پرداخت حقوق کارمندان از دیگر مشکلات اقتصادی مدرسه بود. حقوق برخی از معلمان ایرانی مدرسه نیز از معلمان غیرایرانی خیلی کمتر بود. روزنامه استخر درباره مکفی نبودن بودجه وزارت معارف برای تأمین هزینه مدارس بنادر خلیج فارس نوشت: «متأسفانه این مدرسه دارای اثاثیه کامل حتی ناقص نیست. برای تهیه احتیاجات این مدرسه از طرف معارف بنادر فقط چهل تومان به این مدرسه داده‌اند.»<sup>۶</sup>

در مکاتبات اداره معارف کل بنادر جنوب با وزارت معارف در سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۰۱ش، از اجبار تأسیس مدرسه‌ای غیردولتی در دشتی برای جبران کسری و کلاه به کلاه کردن برای تهیه مخارج مدرسه‌های دیگر گفته شده است، راهکاری که نتوانست به کسری مالی مدرسه کمک نماید. ضمن آنکه در تلگرافی که به همین مکتوبات ضمیمه شده، برای نخستین بار از عبارت «اعتصاب معلمین» استفاده شده که ممکن است در پی پرداختن حقوق معوقه‌شان روی دهد.<sup>۷</sup> این در حالی بود که بودجه مدارس دولتی

۱. ساکما، ۲۸۷/۲۹۷.

۲. ساکما، ۲۰۸۳۸-۲۹۷.

۳. چهارنما، س ۲۳، ش ۱، ۱۳۴۵ق، ص ۸.

۴. ساکما، ۲۹۳/۸۳۴۹؛ نوریخس، ص ۳۴۲.

۵. حبل‌المتین، س ۳۵، ش ۱۴ و ۱۵، ص ۱۵.

۶. استخر، س ۱۳، ش ۳۴، ص ۱۵.

۷. ساکما، ۲۹۷/۳۰۹۸۴، ص ۲-۶.

بندر لنگه و بوشهر صرفاً مختص مدرسه سعادت بوشهر، جاوید عباسی و محمدیه بندر لنگه بود. مبلغ اداره معارف تمام بندر برای بیست مدرسه در صورت اقتصاد سالیانه ۴۸۰۰ تومان بود.<sup>۱</sup>

### برنامه‌های درسی و امتحانات در مدارس بندر لنگه

مدرسه محمدیه واقع در محله شیخیه به مدیریت عبدالحمید نمازی ۲۶۰ نفر شاگرد داشت. مدیر مدرسه به اتفاق معلمانی چون آقاحسین که درجه ششم از مدرسه سعادت بوشهر را داشت، در همه مقاطع به شاگردان درس می‌داد.<sup>۲</sup> سال تحصیلی مدارس در ابتدا از شانزدهم تا بیست و دوم تیرماه هر سال آغاز می‌شد و تعطیلات تابستانه تنها در نیمه نخست تیرماه و ایام نوروز بود. در حقیقت برنامه‌ریزی تحصیلی محمدیه تابع سعادت بود. مدت حضور شاگردان در مدرسه در ایام هفته غیر از جمعه‌ها شش ساعت بود.<sup>۳</sup> در مورد تعداد دروس نیز مقرر شده بود که «هر شاگردی را روزانه بیش از چهار درس نباید تعلیم نمود. اگرچه کمتر بهتر است و مدت هر مرتبه هم منوط به قوت معلمین و استعداد متعلمین خواهد بود.»<sup>۴</sup> در مورد امتحانات نیز تا سال ۱۳۵۹ق امتحانات مدرسه محمدیه همانند مدرسه سعادت در چهار نوبت دوماهه برگزار می‌شد. پس از آن برای برگزاری امتحانات سه نوبت (ثلث) در نظر گرفته شد. شیوه آموزشی مدرسه هم در ابتدا مطابق با ساختار و محتوای درسی مدرسه سعادت بود و چون مدرسه سعادت نیز خود تابع شیوه آموزشی مدارس رشدیه در تهران بود، در نتیجه شاگردان مدرسه محمدیه نیز مشابه این مدارس دارای دروسی همانند جغرافیای طبیعی، تاریخ، ادب اجتماعی و غیره بودند. به گزارش سدیدالسلطنه در سال ۱۳۳۷ق متون درسی برنامه مدرسه بندر لنگه در کلاس اول شامل فارسی، قرآن مجید، حساب، مشق، املا و در کلاس دوم شامل فارسی، حساب، قرآن مجید، شرعیات، انشاء، مشق، املا، عربی و در کلاس سوم شامل فارسی، حساب، قرآن مجید، تاریخ، جغرافیا، انگلیسی، شرعیات، املا و انشاء بود.<sup>۵</sup> به گفته نوریبخش این مدرسه تحت نظارت انجمنی محلی و دارای نظم و ترتیب مخصوص به خود بود و معلمین و استادان مدرسه از بین افراد باسواد و مورد اعتماد عموم و از شهرهای مختلف ایران و نیز از کراچی که آن روزها جزء هندوستان بود، استخدام می‌شدند.<sup>۶</sup> مدت‌زمان تحصیل در مدرسه محمدیه هشت سال بود. سال اول را فریق و سال دوم را ابتدایی می‌گفتند. شش سال دیگر را کلاس اول تا ششم می‌نامیدند. شرایط پذیرش محصلان در مدرسه به این شرح بود:

۱. ساکما، ۲۹۷/۳۰۹۸۴.

۲. ساکما، ۲۹۷/۲۶۹۰۶.

۳. اطلاع، ش ۱۵، س ۳ (۱۳۲۰ق)، ص ۲۴۰.

۴. الجناب، نمرة ۲، س ۱ (۱۳۲۴ق)، ص ۳.

۵. حسن امداد، تاریخ آموزش و پرورش فارس از عهد باستان تا معاصر (شیراز: نوید شیراز، ۱۳۸۵)، ص ۲۵۸-۲۶۷.

۶. نوریبخش، ص ۳۱۵.

کودکانی که اصلاً درس نخوانده بودند، در سن هشت تا دوازده سال و آنهایی که مختصری درس خوانده بودند، از هشت ساله تا شانزده ساله ثبت نام می شدند.<sup>۱</sup> حبل المتین به نقل از مسئولان مدرسه می نویسد دانش آموزانی که تا کلاس پنجم درس بخوانند می توانند در ادارات دولتی مشغول به کار شوند.<sup>۲</sup> این روزنامه وضعیت مکاتب قدیم را بهتر از مدارس جدید می داند و محمدیه را فاقد برنامه آموزشی منظم می خواند.<sup>۳</sup> به دنبال انتقادات جراید در ۴۴-۱۳۴۳ ق برنامه مدرسه منطبق با برنامه وزارت معارف گردید،<sup>۴</sup> گرچه مسئولان مدرسه همچنان می خواستند برنامه مدون خود را اجرا نمایند.<sup>۵</sup> ضمن آنکه تغییری در حقوق و مطالبات معلمان صورت نگرفته بود. در سندی مربوط به مطالبه حقوق زنی به نام صفیه، از آموزگاران مدرسه محمدیه، در سال ۱۳۰۰ ش قید شده که وی سه ماه دوره استاژ را در این مدرسه سپری کرده است. با توجه به تاریخ این سند می توان او را جزء نخستین معلمان زن در مدارس مختلط جنوب ایران به شمار آورد.<sup>۶</sup> او در زمانه‌ای به تدریس مشغول بود که شرایط جامعه برای اشتغال زنان هنوز مهیا نشده بود. در سال ۱۳۰۷ ش نمایندگی معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه در بندر لنگه تأسیس و اداره مدارس محمدیه و پهلوی به آن محول شد. در سال ۱۳۱۵ ش نیز مدرسه محمدیه و پهلوی سابق با هم ادغام شدند و مدرسه‌ای با عنوان پانزده بهمن تأسیس گردید.<sup>۷</sup> پس از فراز و فرودهای بسیار سرانجام در خرداد ۱۳۲۰ اداره معارف لنگه تابع اداره فرهنگ بندرعباس گردید.

## نتیجه‌گیری

در این پژوهش ابتدا نقش بنیادین افراد و عوامل مؤثر در شکل‌گیری تعالیم جدید در ایران بررسی شد. داده‌های تاریخی بیانگر آن است که این روند متأثر از الفبای صوتی و شیوه جدید آموزش رشدیه با الگوبرداری از تعالیم مدارس رشدیه در عثمانی و آموزه‌های وی از معلمان فرانسوی بود. بنابراین، تغییر و تحولات آموزشی ایران به آن سوی مرزها پیوند خورد. این تغییرات با وقوع انقلاب مشروطه و رویارویی سنت و مدرنیته وارد مرحله جدیدی گردید. با ایجاد این مدارس برخی از رجال و روحانیون به مخالفت با آن پرداختند. در این بین امیر دریابییگی که خود از فارغ‌التحصیلان دارالفنون و حامیان مدارس جدید بود، همسو با این تغییرات آموزشی و به تقلید از مدرسه دارالفنون به ساخت اولین مدرسه جدید در

۱. محمدعلی سدیدالسلطنه کبابی، سرزمین‌های شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان در صد سال پیش (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱)، ص ۱۷۱.

۲. حبل المتین، ش ۲۹، ص ۳۳، ص ۱۲.

۳. حبل المتین، ش ۱۰، ص ۳۴، ص ۱۱.

۴. همان.

۵. حبل المتین، ش ۱۱، ص ۳۷، ص ۱۹.

۶. ساکما، ۲۹۷/۳۷۴۶.

۷. در سال ۱۳۱۶ ش مدیر مدرسه پانزده بهمن سید محمود رجایی بود (ساکما، ۲۹۷/۳۱۷۸۷).

بوشهر به نام مدرسهٔ سعادت همت گمارد. این امر در حالی انجام می‌گرفت که پیش‌تر سید جمال‌الدین اسدآبادی، به پشتوانهٔ آشنایی با تعالیم سایر کشورها، گام‌هایی در اصلاح تعالیم سنتی و ایجاد آموزه‌های نوین در جنوب برداشته بود. بانیان مدرسهٔ سعادت سپس با حمایت انجمن آزاد بندر لنگه مدرسهٔ محمدیه را تأسیس کردند. تغییرات آموزشی در لنگه به کندی پیش می‌رفت، زیرا اهالی آن که شامل مهاجرین عرب یا افریقایی‌تبار هم می‌شد، با آموزه‌های سنتی و مکتب‌خانه مأنوس بودند و آن را کافی می‌دانستند. با این اوصاف، چندی بعد، قصبه‌ها و نواحی همجوار با لنگه نیز به‌رغم برخی مخالفت‌ها به ساخت مدارس جدید همت گماردند. نسل نخست این مدارس با سیطره و مداخلهٔ دول روسیه و انگلیس جنبهٔ نظامی به خود گرفت. مدارس بندر لنگه نیز تابع و پیرو مدرسهٔ سعادت بودند. این در حالی بود که سعادت به تبعیت از دارالفنون در برنامهٔ آموزشی خود مشق نظامی گنجانید. شایان ذکر است در تغییرات آموزشی مدارس الگوبردای از تعالیم فرانسویان و یا آموزش زبان فرانسه نیز به چشم می‌خورد. چنانکه جمال‌الدین اسدآبادی در جنوب ایران از کتاب ناپلئون به‌عنوان کتاب درسی بهره جست. ضمن آنکه در بوشهر و لنگه حضور خارجی‌ها، چه در کسوت رجال سیاسی و چه در کسوت تاجر، به بهانهٔ حمایت مالی از مدارس افزایش یافت. در واقع ورود مستقیم خارجی‌ها به عرصهٔ ساختار آموزشی کشور، به‌ویژه به مدارس بنادر جنوب چون بوشهر و لنگه، به بسط سلطهٔ فرهنگی و خطمشی فکری آنان انجامید. بالاخص استخدام تعدادی از معلمین هندی در این مدارس که عزل و نصبشان بر عهدهٔ کنسولگری انگلیس بود، به ترویج هرچه بیشتر واژگان خارجی و خلط آن با زبان فارسی منجر شد، تا جایی که واکنش و نکوهش مطبوعات داخلی را در پی داشت. شرایط اجتماعی و اقتصادی بندر لنگه و بینش و عملکرد برخی افراد، از دیگر عوامل مهم احداث مدارس در این شهر بود. قرار گرفتن در کرانهٔ خلیج فارس و برخورداری از موقعیت سیاسی و تجاری ویژهٔ موجب جلب توجه بازرگانان و رجال خارجی و داخلی به بندر لنگه گردید، به‌خصوص کنسولگری‌های روسیه، انگلیس، فرانسه و شرکت‌های آلمانی به حامیان اصلی آن بدل شدند. در این دوران تغییر و تحولات فکری، فرهنگی و آموزشی شهرهای بوشهر و لنگه، به‌موازات شهرهای رشت و بندر انزلی، در صدر اخبار مطبوعات قرار گرفت. این شهرها به‌واسطهٔ هم‌جواری با شاهراه‌های دریایی و برخورداری از ویژگی‌های ژئوپلیتیکی در این فرآیند بر همدیگر تأثیرگذار بودند.

## کتابنامه

- آجودانی، ماشالله. *مشروطه ایرانی*، تهران: نشر اختران، ۱۳۸۲.
- آقازاده، احمد و آرمند، محمد. *تاریخ آموزش و پرورش ایران*، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۲.
- احتشام السلطنه، میرزا محمود خان. *خاطرات احتشام السلطنه*، به کوشش سید محمدمهدی موسوی، تهران: زوار، ۱۳۶۷.
- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ). سند ۱۳۲۷/۴/۲۲ ق.
- استخر. س ۵، ۷، ۱۳، ۱۷.
- اطلاع. ۱۳۱۹ ق، ۱۳۲۰ ق، ۱۳۲۴ ق.
- اعتماد السلطنه، محمدحسن. *روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه*، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۰.
- افشار سیستانی، ایرج. *شناخت استان هرمزگان*، تهران: انتشارات جهان معاصر، ۱۳۷۳.
- افضل الملک کرمانی، غلامحسین. *افضل التواریخ*، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱.
- القاسمی، کامله بنت الشیخ عبدالله. *تاریخ لنجه*، دی: مکتبه الدبی للتوزیع، ۱۹۹۳.
- اقتداری، احمد. *خلیج فارس*، تهران: انتشارات کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۶.
- امداد، حسن. *تاریخ آموزش و پرورش فارس از عهد باستان تا معاصر*، شیراز: نوید شیراز، ۱۳۸۵.
- امید. ۱۳۳۸ ق.
- بایندر، غلامحسین. *خلیج فارس*، تهران: بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۸۸.
- بنی عباسیان بستکی، محمد اعظم. *تاریخ جهانگیری و بنی عباسیان بستک*، به کوشش عباس انجمن‌روز، تهران: بی‌نا، ۱۳۳۹.
- بولارد، ریدر ویلیام و دیگران. *رجال و دیپلمات‌های عصر قاجار و پهلوی*، ترجمه غلامحسین میرزا صالح، تهران: معین، ۱۳۹۱.
- بیضایی، منوچهر و دیگران. *سالنامه فرهنگ بنادر جنوب*، بوشهر: چاپخانه گلستان شیراز، ۱۳۳۷.
- پرورش. ۱۳۱۹ ق.
- تربیت. ۱۳۲۲ ق.
- ثریا. ۱۳۱۸ ق، ۱۳۱۶ ق.
- الجناب. ۱۳۲۴ ق.
- چهره‌نما. س ۷، ۱۸، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۳۳.
- حبل‌المتین. س ۷، ۱۰، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۷.
- دشتی، احمد. *نگاهی به تاریخچه مدرسه سعادت بوشهر*، بوشهر: همسایه، ۱۳۸۷.
- دولت‌آبادی، یحیی. *حیات یحیی*، تهران: عطار و فردوسی، ۱۳۶۱.
- راوندی، مرتضی. *سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا*، تهران: نشر گویا، ۱۳۶۴.



س ۱، ش ۳، ۱۳۸۸.

مؤمنی، باقر. مقالات میرزا فتحعلی آخوندزاده، تهران: آوا، ۱۳۵۱.

نصر، تقی. ایران در برخورد با استعمارگران از آغاز قاجاریه تا مشروطه، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۳.

نوربخش، حسین. بندرلنگه در ساحل خلیج فارس، هرمزگان: اداره کل فرهنگ و هنر استان هرمزگان، ۱۳۵۸.

ویلهلم، لیتن. ایران از نفوذ تا تحت الحمایگی (۱۸۶۰-۱۹۱۹)، ترجمه مریم میراحمدی، تهران: معین، ۱۳۶۷.

وقایع اتفاقیه. ۱۲۶۸ ق.

یاحسینی، قاسم. مطبوعات بوشهر، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر، ۱۳۷۴.

Charles, Henry. "The Reported French Gain in Muscat, Scenes on the Persian Gulf. Illustration for The Illustrated London News, 25 February 1899", <https://www.bridgemanimages.com/en-US/wright/the-reported-french-gain-in-muscat-scenes-on-the-persian-gulf-litho/lithograph/asset/1598548>.

Curzon, Lord. "General view from R.I.M.S. Hardinge, Lingah, from 'Photographs of Lord Curzon's tour in the Persian Gulf, November, 1903'", British Library Board, <https://www.bridgemanimages.com/en-US/english-photographer/general-view-from-r-i-m-s-hardinge-lingah-from-photographs-of-lord-curzon-s-tour-in-the-persian-gulf-photograph/asset/4071046>.

D'Arcy, Joseph. "Abou-Shehr or Bushire, Persian Gulf" / "On the road to Dalkin [Daliki] from Bushire showing the mirage" (1780-1846) [3r] (1/2), British Library: India Office Records and Private Papers, WD3274/28, in Qatar Digital Library [https://www.qdl.qa/archive/81055/vdc\\_100027090276.0x0\\_00006](https://www.qdl.qa/archive/81055/vdc_100027090276.0x0_00006).

East India Company. "Persian Gulf Increase of salary to the Native Agent at Lingah-sanctioned", British Library: India Office Records and Private Papers, IOR/F/4/2575/152547, in Qatar Digital Library [https://www.qdl.qa/archive/81055/vdc\\_100108938398.0x000001](https://www.qdl.qa/archive/81055/vdc_100108938398.0x000001).